

۸۱۰

۵۰۵

۵۹۲

شماره ترتیب چاپ:

دوره ششم - سال اول

۱۳۷۹-۱۳۸۰

۲۳۲

شماره چاپ سابق:

تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۲/۱۷

شماره دفتر ثبت:



## گزارش کارشناسی درباره طرح:

# گزارش تمرکز امور انرژی و تشکیل وزارت انرژی

برای شور اول

تمرکز بر مسألهای مجلس شورای اسلامی  
که اندرو اسناد را ملاع عرض می‌نماییں

۱۴۲۲۱

۱۳۸۰/۶/۱۳



کمیسیون‌های ارجاعی

مشترک اجتماعی و انرژی - اقتصادی - برنامه و پویا

محاسبات - کشاورزی و منابع طبیعی

۱۸۰

شماره مسلسل: ۶۱۰۵

معاونت پژوهشی

خرداد ۱۳۸۰

کار: دفتر امور زیربنایی

بررسی‌های اقتصادی - بررسی‌های حقوقی (ویرایش اول)

گزارش تمرکز امور انرژی و تشکیل وزارت انرژی

۱۸۰ کد موضوعی:

۶۱۰۵ شماره مسلسل:

۱- دیدگاه گروه انرژی دفتر امور زیربنایی مرکز پژوهش ها

مقدمه

برنامه ریزی برای منابع تولید، عرضه و مصرف انرژی در اکثر کشورها در دوره های کوتاه، میان و درازمدت (برای حدود ۲۰ سال) انجام می گیرد. این موضوع برای انواع نفت و گاز به منظور حداکثر کردن میزان برداشت از ذخایر بسیار حائز اهمیت است. این برنامه ریزی با توجه به عوامل متعدد از جمله تکنولوژی های جدید در استفاده از ذخایر تجدیدناپذیر و تجدیدپذیر (انرژی های نو) و نیز محدودیت های ناشی از حفاظت محیط زیست و غیره مداوماً مورد تجدید نظر قرار می گیرد.

در ایران به علل مختلف برنامه ریزی میان و بلندمدت برای عرضه و تقاضای انرژی صورت نگرفته و در نتیجه الگوی مصرف انواع انرژی و به تبع آن تولید و عرضه آن تقریباً بدون برنامه ریزی منسجم رها گردیده است.

مطابق با قانون تأسیس وزارت نیرو (اصوب ۱۰/۱/۱۳۵۳)، از آن تاریخ این وزارت خانه تعیین کننده سیاستگذاری و برنامه ریزی انرژی در کشور می باشد.

عدم تناسب این نقش با فعالیت های اساسی در بخش آب و برق به ویژه حضور قدرتمند وزارت نفت و شرکت های مستقل نفت، پالایش و پخش و گاز در عرصه تأمین انرژی هیچگاه زمینه سیاستگذاری و اشراف لازم وزارت نیرو را بر مجموعه انرژی کشور فراهم نساخته است. هر چند که تلاش بخش انرژی وزارت نیرو در سال های اخیر قابل تقدیر است ولی هرگز مدیریت انرژی در کشور به صورت یکپارچه در عرضه تدوین اهداف

استراتژی‌های و سیاست‌های کلان‌بخشی و اعمال مدیریت بر صرفه جویی در مصرف انرژی عمل نکرده است. همچنین سازمان مدیریت برنامه‌ریزی نیز هیچ‌گاه نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای را در راهبری سیستم انرژی کشور نداشته است.

#### ۱- قانون برنامه سوم (ماده ۲)

ماده ۲ قانون برنامه سوم، موضوع ادغام وزارت‌خانه‌های نفت، نیرو و سازمان انرژی اتمی در یکدیگر و تشکیل وزارت انرژی را مبنی بر رعایت اصول زیر اعلام نموده است:

الف- رعایت اصل ارتباط، پیوستگی، همبستگی و تجانس وظایف

ب- تجمعی فرایند هر فعالیت در سازمان واحد و هدف‌گرانمودن فعالیت‌ها

ج- حذف واحدها و سازمان‌های غیرضروری و حذف وظایف موازی و مشترک دستگاه‌ها

د- رعایت اصل عدم تمرکز در توزیع وظایف ملی و استانی و محدود نمودن وظایف و مأموریت‌های واحدهای ملی و ستادی به جنبه‌های اعمال حاکمیت، سیاستگذاری،

برنامه‌ریزی کلان و هدایت و نظارت امور اجرایی به واحدهای استانی

ه- عدم گسترش تشکیلات دولت با تأکید بر کوچکسازی دولت از سطوح پایین هر مرکز از طریق تجمعی فعالیت‌های مربوط به یک وزارت‌خانه (جز شرکت‌های مستقل) در سازمان‌های استانی واحد.

#### ۲- دیدگاه درباره تجمعی فعالیت‌های وزارت نیرو و سازمان انرژی اتمی

ادغام فعالیت‌های وزارت نیرو و سازمان انرژی اتمی و بخشی از فعالیت‌های وزارت جهاد‌سازندگی سابق در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر را می‌توان در راستای اصول فوق الذکر دانست. مضاف بر آن، ادغام فعالیت‌های سازمان انرژی اتمی در وزارت نیرو و کاهش جایگاه سازمانی آن از معاونت رئیس جمهور، از حساسیت‌های نابجایی بین‌المللی روی کشور ماکه

از انرژی اتمی در مقاصد صلح جریانه و تولید برق استفاده می‌کند خواهد کاست. شایان ذکر است که قبل از نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی اسازمان انرژی اتمی جزو یکی از سازمان‌های وزارت نیرو بوده است.

### ۳- دیدگاه درباره تجمعیع فعالیت‌های وزارت نیرو و وزارت نفت

تجمعیع فعالیت‌های وزارت نفت و نیرو دارای نکات مثبت و منفی زیر است:

#### الف- نکات مثبت

- ۱- ایجاد وحدت در مدیریت و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی امور انرژی از طریق ایجاد یک سازمان و مقام مسئول جهت پاسخ‌گویی به ناهماهنگی‌ها و کاستی‌های موجود.
- ۲- بهینه‌سازی برنامه‌ریزی مصرف انرژی با توجه به امکان جایگزینی برق با فراورده‌های نفتی و گاز طبیعی در مصرف بخش‌های خانگی، تجاری و صنعتی؛
- ۳- بهینه‌سازی برنامه‌ریزی تولید انرژی با توجه به این‌که در حال حاضر برنامه‌ریزی تولید گاز و فراورده‌های نفتی که در تولید برق به کار می‌رود با وزارت نفت است؛
- ۴- با توجه به موارد فوق، بهینه‌سازی در قیمتگذاری و سرمایه‌گذاری در برق و فراورده‌های نفتی؛
- ۵- بالارفتن سطح تحقیقات انرژی در کشور از طریق ادغام و هماهنگی اسناد و مراکز پژوهشی این دو وزارتخانه. بنابراین مسئولیت اجرای الگوری جامع انرژی کشور در ابعاد سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و مصرف بهینه، هزینه تمام شده. قیمتگذاری و تعریف‌بندی، ملاحظات زیست محیطی در تولید و مصرف انرژی، پژوهش‌های مربوط به انرژی و استفاده از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر با وزارت انرژی خواهد بود؛
- ۶- با حذف سازمان‌های مشابه و موازی در وزارتخانه ضمن تقویت نیروی انسانی و ارتقاء کارایی، صرفه‌جویی نسبی در هزینه‌ها به عمل خواهد آمد؛

## ب- نکات منفی

- ۱- از نکات منفی این ادغام بزرگ شدن وزارت انرژی است که با تجدیدنظر در ساختار بعضی قسمت‌ها (مانند امور آب و فاضلاب وزارت نیرو) تا حدودی دامنه آن کاهش می‌یابد؛
- ۲- با توجه به این که بسترهای لازم برای واگذاری بخش‌های مختلف انرژی به مثابه یک مقوله زیربنایی به نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های غیردولتی در کشور هنوز فراهم نشده است لذا فعالیت‌های تصدیگری و سیاستگذاری تا مدت زیادی در یک وزارت‌خانه تجمعی خواهد شد و این خود مانع جدی در تحقق اهداف برنامه سوم توسعه مندرج در فصول اول و دوم و سوم خواهد بود.
- ۳- در صورت ادغام وزارت نفت و نیرو، فعالیت‌های مختلف و اساسی و حساس صنعت برق تحت الشاعع توجه به مسائل صنایع نفت و گاز خواهد شد و لذا از رشد کیفی صنایع برق کاسته می‌شود.
- ۴- پیشرفت در بهینه‌سازی مصرف انرژی تنها محدود به فعالیت دو وزارت‌خانه نفت و نیرو نیست. فرهنگ مصرفی مردم و صنایع سازنده و سایل انرژی بر، نقش مهمی را در بهینه‌سازی مصرف انرژی دارند؛
- ۵- واگذاری‌ها و خصوصی‌سازی‌هایی که بعد از ادغام به وجود خواهد آمد (خصوصاً شرکت‌های وابسته) به علت گسترش فعالیت‌ها و عدم توانایی در نظارت عمده‌تر از روی ناچاری صورت خواهد گرفت و لذا با اهداف خصوصی‌سازی سازگار نخواهد بود و این امکان وجود دارد که بیشتر رهاسازی صورت گیرد تا مقررات زدایی و خصوصی‌سازی.
- ۶- عدم تجانس فعالیت‌های نفت و نیرو را می‌توان از نکات منفی دیگری دانست ولی به منظور تجانس هر چه بیشتر فعالیت‌ها در وزارت انرژی و نظارت و هماهنگی بیشتر مسئولین اقتصادی سیاسی کشور و همچنین با توجه به تحولات بازار جهانی نفت از یک طرف و تحولات سیاسی در خلیج فارس از طرف دیگر، پیشنهاد می‌شود در صورت تشکیل وزارت انرژی، امور اوپک وزارت نفت به بخش بین‌الملل وزارت اقتصاد یا وزارت امور خارجه انتقال داده شود.

در خصوصیں «یکپارچہ سازی سیاستگذاری امور انرژی» عنایت به این موضوع ضروری است که سیاستگذاری در هر قلمرو در سطوح مختلف استراتژیک، میان مدت و کوتاه مدت صورت می‌گیرد و هر چه افق این سیاستگذاری کوتاه‌تر شود ماهیت برنامه‌ای و عملیاتی (اجرایی)، نقش و اهمیت به مرتب بیشتر می‌یابد، بر این اساس، با توجه به ساختار فعالیت‌های وزارت‌خانه‌های نفت و نیرو در حوزه‌های کامل‌تخصصی و منفک (اکتشاف / تولید و بهره‌برداری نفت خام و گاز طبیعی / پالایش / انتقال و توزیع انواع فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی از یک سو و برق از سوی دیگر) که عمده‌تاً به دلایل مختلف بنیادی برون‌ساختاری و درون‌ساختاری این بخش‌ها برنامه‌ریزی در آن‌ها عملأ در جهت اهداف کوتاه مدت یک ساله و گاه فصلی انجام می‌گیرد و افق برنامه میان مدت نیز ناظر به تداوم روند فعالیت‌های جاری است، این نتیجه حاصل می‌شود که نظام برنامه ریزی در هر دو وزارت‌خانه نفت و نیرو ماهیتاً از خصلت برنامه‌ریزی استراتژیک عاری است یا از کمترین میزان توجه در این حوزه برخوردار است، با عنایت به مطالب فوق بدون بهسازی برنامه‌ریزی‌های میان مدت و کوتاه‌مدت در سطوح تخصصی و لایه‌های مختلف سازمانی و تشکیلاتی هر یک از وزارت‌خانه‌های نفت و نیرو و برقراری و سازگاری هماهنگی ارگانیک در عرض این دستگاه‌ها ایجاد وحدت سیاستگذاری از طریق ادغام دستگاه‌ها و اعمال اقتدار مدیریتی از طریق شخص وزیر یا سازمانی که در این رابطه عهده دار سیاستگذاری استراتژیک خواهد شد قرین به موفقیت به نظر نمی‌رسد مگر آن که بهسازی برنامه‌ریزی‌ها و اصلاحات درون‌ساختاری ابتدأً در صادر اولویت این ادغام قرار گیرد.

## ۲- دیدگاه یکی از کارشناسان اقتصادی مرکز پژوهش‌ها\*

### پیشنهاد قانونی در رابطه با طرح

جایگاه ویژه منابع انرژی فسیلی سبب شده است که سازمان جدآگاه‌ای برای اعمال اصل مالکیت و حاکمیت ملی ایران بر ذخایر و منابع انرژی‌های فسیلی ایجاد شود. وجود سازمان‌های مستول انرژی‌های فسیلی در کشورهای نفت خیز سابقه‌ای دیرینه دارد. شاید بتوان گفت که عمدت ترین دلایل تفکیک نفت و سایر انواع انرژی‌های فسیلی در بسیاری از کشورهای نفت خیز موارد ذیل بوده است:

۱- ماهیت نفت به عنوان یک منبع انرژی جهانی که در آن حضور خارجیان در دو زمینه میزان و شدت بهره‌برداری از منابع کشور به صورت‌های مختلف اجتناب‌ناپذیر دیده می‌شد.

۲- وجود نفت به عنوان اصلی ترین منبع درآمد ارزی کشور که سبب می‌شد کلیه متغیرهای اقتصادی را زیر نفوذ خود درآورد. بنابراین بعد درآمدزاگی و ارزآوری نفت بیش از بعد تأمین نیازهای انرژی در کشور مطرح بوده است.

۳- وابسته بودن نفت و انرژی‌های فسیلی به سیاست‌های اقتصادی برخاسته از تصمیم‌های جمعی گروهی از کشورها و لزوم اطاعت از مصوبه‌های فراملی.

در طول سال‌ها در بخش نفت و انرژی تحولات مختلفی به وقوع پیوسته است. در حال حاضر، مجموعه اداره کننده فعالیت‌های بخش نفت که در پوشش وزارت نفت فعالیت می‌کنند، شامل شرکت‌های مختلفی است که عمدت ترین آن را شرکت ملی نفت ایران تشکیل می‌دهد. شرکت ملی گاز ایران، اسماع شرکت‌های صنعتی و واحدهای خدماتی هم در مجموعه وزارت نفت وجود دارد.

از طرف دیگر، وزارت نیرو شامل مجموعه برق، آب و شرکت‌های صنعتی مختلفی است که به صورت‌های گوناگون در مجموعه حضور دارند. وزارت نیرو شکل در شرف تحول وزارت‌خانه‌ای است که قرار بود در زمانی عیده دار سیاست گذاری برای بخش انرژی کشور

\* این دیدگاه توسط سرکار خانم دکتر فیروزه خلعتبری مطرح شده است

باشد. در آن زمان نگرش بر آب با اولویت داده بر انرژی ابی بود و همین امر سبب شده بود که آب در حوزه کنترل وزارت نیرو باقی بماند. امروز این استدلال چندان قابل دفاع نیست زیرا از یک سو اهمیت حضور آب در بخش‌های کشاورزی و محیط زیست بسیار افزایش یافته است و از سوی دیگر اهمیت آب در ایجاد انرژی به طور نسبی کاهش یافته است.

با در نظر گرفتن فعالیت‌های مختلفی که بر عهده دو وزارت خانه نفت و نیرو گذاشته شده است، زمینه‌های فعالیت این دو وزارت خانه را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- ۱- منابع طبیعی پایان‌پذیر (نفت و گاز) و تجدید شونده (انرژی‌های نو و آب).
- ۲- محیط زیست.

۳- سوخت و انرژی به عنوان بخشی از کالاهای عمومی مورد استفاده عامه مردم.

۴- فعالیت‌های صنعتی و معادنی (شامل شرکت پتروشیمی، شرکت‌های سازنده انواع محصولات وابسته به بخش‌های برق، آب، نفت و مشابه آن مثل شرکت‌های سازنده کنترل آب و موارد مشابه).

۵- قراردادهای بین‌المللی، صادرات و درآمدهای ارزی دولت.

این مجموعه بسیار ناهمگونه در دو وزارت خانه مدیریت می‌شوند در حالی که دست کم دو وزارت خانه کشاورزی و صنایع و معادن در سازمان دولت ایران وجود دارد و سازمان محیط زیست هم مواردی از تحولات وابسته به محیط زیست را در کنترل خود دارد. به نظر می‌رسد که هماهنگ سازی این گروه کار دشواری باشد به ویژه آن که در وضعیت موجود که ارز به عنوان عامل اصلی قدرت خرید در اقتصاد کشور مطرح می‌شود، وزارت نفت خود را ایجاد کننده منابع ارزی می‌شمرد و خود را در جایگاه ویژه‌ای می‌بیند که باید توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک مرکزی اشغال شود. با این اوضاع، وزارت نفت در وضعیت کنونی در هر صورت خود را متعیض و وزارت نیرو نمی‌شمرد و در ساخت کنونی خود نیز نمی‌تواند وزارت نیرو را با خود همراه و هم زوند سازد.

### دلایل ناکارایی و ناقص بودن وضعیت کنونی

دلیل اصلی ناکارایی وضعیت کنونی را می‌توان در تداخل و ظایف دو وزارت خانه با یکدیگر از

یک سو و باد، راهنمایی کشاورزی و دام ایج را می‌داند. این روش دیگر توصیف در دستور  
سازمان انرژی انسانی، موضوع اصلی ناهمراهشگی احتمالی بین سیاست‌گذاری‌های مربوط به  
این انرژی با سایر انواع انرژی است. این وضع سبب می‌شود که رشد بالقوه کشور قابل  
دستیابی نباشد و در نهایت اقتصاد کشور در وضعی قرار گیرد که پایین‌تر از توان آن است.

### بیان مقاصد طرح

در سند طرح آورده شده است که براساس مصوبات قانونی کشور، به ویژه در بخش اصلاح  
ساختار اجرایی نظام جمهوری اسلامی ایران، باید کارهای موازی و فعالیت‌های مشابه در  
وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های مختلف متصرک شود و درجهٔ کاهش تصدی دولت و تقویت  
بخش خصوصی و صرفه جویی در هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری، دستگاه‌های ذی ربط ادغام  
شوند. طرح برای ادغام دستگاه‌های موازی در بخش انرژی مطرح شده است. مستند اشاره  
شده در طرح، مادهٔ ۲ قانون برنامه سوم است که براساس آن امور انرژی، امور صنعت و معدن  
و امور کشاورزی، دام، توسعه و عمران روستایی باید در سه وزارت‌خانه ادغام شود.

### روش بهینه‌نگری بر بخش انرژی در اقتصاد ایران

برای آن که بتوان طرح پیشنهادی را ارزیابی کرد، لازم است روشی را برای بهینه‌نگری بر  
اقتصاد ایران در چارچوب خواسته‌های برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی  
جمهوری اسلامی ایران مطرح نمود و با کاربرد آن روش مرزبندی بین دستگاه‌های مختلف  
رامعنی نمود. در این گزارش مرزبندی‌ها براساس نوع فعالیت‌های دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌ها  
انجام می‌شود. این روش در بالا مطرح شده است.

براین اساس، فعالیت‌های وزارت نیرو را می‌توان در سه گروه امور آب، امور برق و  
شرکت‌های صنعتی دسته‌بندی کرد. امور آب کلیه واحد‌های دست‌اندرکار تصفیه آب و  
عرضه آب به عامة مردم (به عنوان یک خدمت عام المنفعه یا مورداستفاده عامه مردم) و  
بخش‌های اقتصادی را شامل می‌شود. امور برق نزدیک نهاده کلیه فعالیت‌هایی است که تولید،  
انتقال و توزیع برق است.

در مورد وزارت نفت می‌توان چهار گروه فعالیت امور انرژی، فعالیت‌های صنعتی، امور

محیط زیست و امور مربوط به اوپک و صادرات نفت را مسایع خرد در هریک از این مواد یک دستگاه دولتی مولازی وجود دارد که می‌توان با ادغام آن وظیفه در دستگاه مورد بحث به خواسته قانونی جامه عمل پوشانید. هیچ دلیل وجود ندارد که شرکت ملی پتروشیمی به دلیل آن که نفت ماده اولیه تولیدات آن را تشکیل می‌دهد در زیر مجموعه وزارت نفت باقی بماند. در مورد انتقال آن به زیر مجموعه وزارت انرژی، حتی یافتن استدلال با دشواری مواجه می‌شود زیرا نفت تنها یکی از انواع انرژی تحت حاکمیت آن وزارتخانه خواهد بود.

در مورد سازمان انرژی اتمی، بخشی از وظایف سازمان ماهیتی بسیار نزدیک به وظایف وزارت دفاع دارد. به جز این قسمت، سایر وظایف سازمان را می‌توان در قالب فعالیت‌های بخش انرژی دسته بندی کرد.

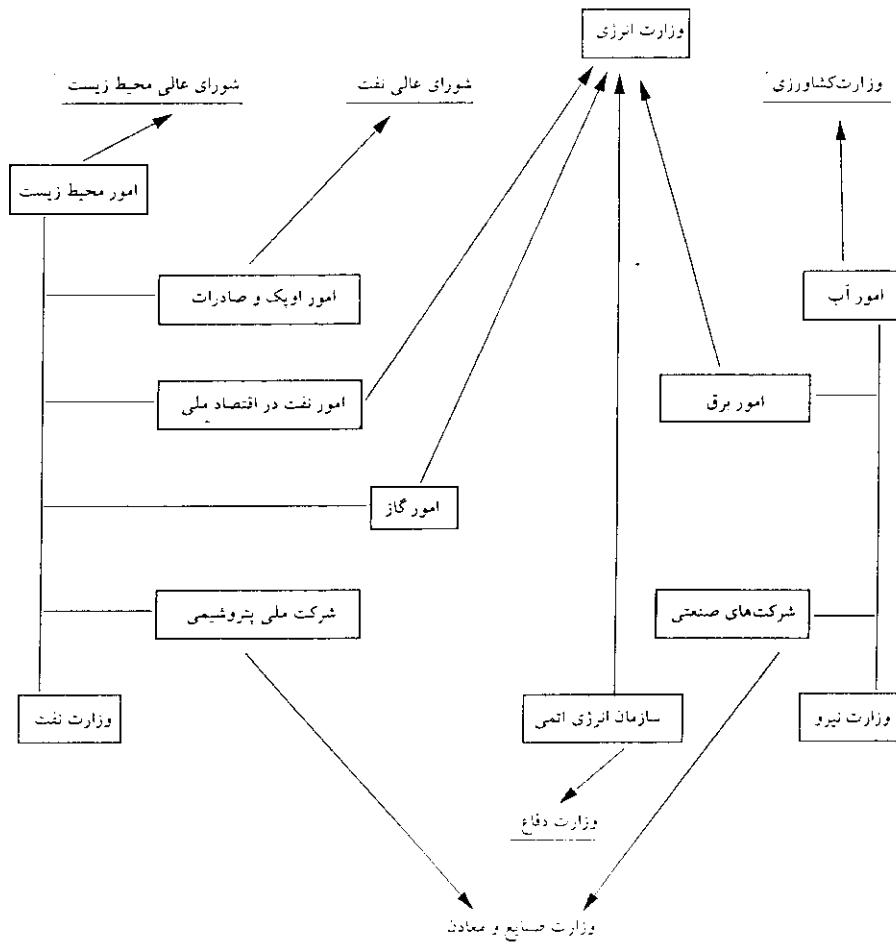
در کلی ترین حالت، وظیفه‌ای که هریک از دو وزارتخانه نفت و نیرو و نیز وظایف سازمان انرژی اتمی در قالب پنج بندی که در بالا به آنها اشاره شد، در نموذار شماره ۱ در زیر فعالیت دسته بندی شده است.

در نموذار دیده می‌شود که وظایف وزارت نیرو بین سه وزارتخانه کشاورزی، انرژی و صنایع و معادن تقسیم می‌شود. وظایف سازمان انرژی اتمی بین دو وزارتخانه دفاع و انرژی توزیع می‌شود و در نهایت، وظایف وزارت نفت بین دو وزارتخانه انرژی و صنایع و معادن و دو شورای عالی باید تقسیم شود. در حال حاضر هیچ یک از این دو شورای عالی وجود ندارد. یک مورد دشواری عالی نفت است که به امور اوپک و صادرات نفت می‌پردازد و در آن نمایندگان وزارت انرژی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران عضویت دارند. مورد دوم شورای عالی محیط زیست است که در آن نمایندگان سازمان محیط زیست، وزارت صنایع، وزارت انرژی، وزارت کشاورزی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پژوهشی باید عضویت داشته باشند.

ممکن است پرسیده شود چرا باید شوراهای عالی ایجاد شوند؟ در پاسخ به این پرسش باید به ماهیت فرابخشی بودن تصمیم‌گیری‌های مربوط به این دو شورای عالی اشاره کرد. در شورای عالی انرژی فقط استخراج نفت مطرح نمی‌شود. موضوعاتی مانند مدیریت درآمدهای نفتی (موضوع تبصره ۶۰ قانون برنامه سوم) که اکنون به صورتی خاص در شرف

راه انداری است و نی مکانیسمی برای ارزیابی رپورتینگی در آمده‌های نفی و برنامه‌ریزی برای آینده مدیریت ارزهای حاصل از صادرات نفت وجود ندارد او سیاست گذاری برای حضور در اوپک هم به طور خاص باید در شورا مطرح شود که بخش مهمی از این موضوع‌ها در حوزه تصمیم‌گیری سازمان مدیریت و برنامه ریزی و بانک مرکزی قرار دارد.

## ساخت پیشنهادی با اشاره به ساخت سازمانی موجود



شوری علی محيط‌زیست هم در رسمیت متنبھی قرار نارد و باید در آن به مباحث گوناگونی پرداخته شود که بخشی از آن به تضمیم گیری‌های استراتژیک صنعتی بر می‌گردد و قسمتی از آن به بهداشت و سلامت جامعه ارتباط می‌یابد.

### ارزیابی مقاصد طرح

بانگاهی به مجموعه‌ای که در بالا به آن اشاره شد، به سادگی می‌توان دید که دست کم به دلیل باقی ماندن وظایف موازی و اختلال‌های وظیفه‌ای که هنوز باقی می‌ماند، طرح پیشنهادی نمی‌تواند به کارآمدسازی سازمان بخش انرژی در کشور بینجامد. به عنوان مثال، در طرح روشن نشده است که بخست آب وزارت نیرو به کجا استقال می‌یابد. باقی ماندن آب در مجموعه نفت و انرژی اتمی عجیب دیده می‌شود.

### تبیین آثار مستقیم و غیرمستقیم ناشی از اجرای طرح

در صورت اجرای این طرح، برای مدتی به نسبت طولانی نیروی نامتجانس این سه دستگاه در حالتی نابسامان قرار می‌گیرند که به یقین باعثیت به کلیدی بودن پاره‌ای از قسمت‌ها، مثل قراردادهای نقشی، قسمت اوپک، بخش‌های مربوط به اکتشاف و پالایش و موارد مربوط به نیروگاه‌ها بروز اختلال‌های بزرگ دور از انتظار نخواهد بود. حتی با پذیرش این فرض که چنین اختلال‌هایی بروز نخواهد کرد، هنوز کارایی ساخت جدید به دلیل وجود وظایف موازی مورد تردید خواهد بود.

### ایرادات اساسی بر طرح

طرح به دلیل نرسیدن به هدف اعلام شده آن، که همان حافظ کارهای موازی باشد، مورد ایراد است. با وجود این، حتی با نادیده کردن این ایراد، هنوز مشکلات دیگری وجود دارد که باید به آن اشاره شود. در طرح برای مأموریت‌ها و اختیارات وزارت انرژی مواردی ذکر شده است. در حالی که بین مأموریت‌ها و اختیارات تمایزی نداشته، نشده است. کدام یک از ۱۴ مورد ذکر شده در ماده ۱ طرح جزو اختیارات و کدام یک در شمار مأموریت‌های وزارت

انرژی قرار دارد؟ قابل ذکر است که از دیدگاه مدیریتی نمی توان مأموریت را با اختیار مخلوط کرد.

در بند ۱ از ماده ۱ تعیین برنامه های بخش انرژی اشاره می شود که به قاعدة عرف، ضوابط الگوهای مصرف (موضوع بند ۲ از ماده ۱) هم در شمار آن قرار دارد. موارد تکراری از این دست در بند های مختلف ماده ۱ دیده می شود. آیا نظارت بر تولید انرژی جزو برنامه ها و ضوابط کلی بخش انرژی نیست؟

در بند ۴ از ماده ۱ به تولید صیانتی اشاره می شود. این چه نوع تولیدی است؟ در علم اقتصاد تولید صیانتی معنی ندارد. اگر برداشت خاصی از این عبارت وجود دارد، طرح باید یک واژه نامه داشته باشد که برداشت های خاص را مشخص نماید.

در بند ۵ از ماده ۱ به تلاش در افزودن سهم حامل های بالرزیش افزوده بیشتر اشاره شده است. آیا این موضوع جزو برنامه های بخش انرژی نیست؟ اگر برنامه باشد که در بند ۱ از این ماده آورده شده است و تکراری می شود و اگر برنامه نباشد، پس چیست؟ در همین بند چرا فقط پوشش برنامه ریزی برای توسعه صنعت تنها برای دو نوع انرژی برق و نفت است و به سایر انواع انرژی مربوط نمی شود؟ آیا انواع دیگر انرژی نمی توانند توسعه بیابند یا افزوده آنها را بخواهند؟

در مورد بند ۶ هم همان موضوع بند ۵ مصادق دارد. آیا نظارت بر اداره بهینه تأسیسات و واحد های دولتی جزو برنامه های بخش انرژی نیست؟ بهینه سازی باید نخستین خواسته هر برنامه باشد.

در تبصره ماده ۱ از طرح، انواع انرژی را در شمار انرژی های تحت کنترل خود قرار داده است. چرا هیچ یک از بند های این ماده حرفی از انواع دیگر انرژی به میان نیامده است؟ اگر قرار است وزارت انرژی در مورد کلیه انواع انرژی کنترل داشته باشد، چرا در هیچ یک از موارد حرفی در مورد ماهیت کنترل وزارت انرژی به میان نیامده است؟

در بند ۱۲ از ماده ۱ حذف یارانه انرژی جز مأموریت های اختیارات وزارت انرژی آورده شده است. حتی اگر بحث وجود یارانه انرژی در اینجا مطرح نشود، چه کسی می تواند ضمانت بدهد که در آینده هم دولت های نمی خواهند به انرژی یارانه بپردازند؟

هدفمند کردن قیمت‌ها می‌تواند یک هدف باشد که پریابی خود را در طول زمان از دست نمی‌دهد. اما ارائه یک جهت‌گیری در قانون منطقی دیده نمی‌شود.

در مورد بند ۱۳ از ماده ۱ به چه دلیل سهم انرژی انسانی را می‌خواهیم افزایش دهیم؟ آیا فاعله خاصی در این مورد استناد قارگرفته است؟

در تبصره ماده ۳، آیا برآورده از میزان کاهش در نیروی انسانی را باید در طرح داشته باشید؟ فراموش نشود که در بند ۵ از ماده ۲ از قانون برنامه سوم، کوچک کردن دولت از جمله خواسته‌های برنامه بوده است.

### پیشنهادی برای مأموریت وزارت انرژی

از آنجاکه جدا کردن مأموریت وزارت انرژی از اختیارات آن ضرورت دارد، پیشنهاد می‌شود که مأموریت وزارت انرژی (در چارچوبی که در نموذار شماره ۱ سازماندهی شده است). به شرح زیر باشد:

- ۱- بررسی، مطالعه و تحقیق درباره انواع انرژی مورد استفاده و قابل استفاده در کشور.
- ۲- مطالعه و تحقیق برای شناسایی و در اختیار گرفتن انواع انرژی‌های دست نیافته‌ای ناشناخته.
- ۳- تدوین سیاست انرژی کشور.
- ۴- تدوین برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت قیمت‌گذاری، عرضه و استفاده از انواع انرژی‌ها در کشور با هدف:

- الف- ایجاد زمینه‌های لازم برای مصرف خردمندانه انواع منابع انرژی در کشور.
- ب- عرضه انواع انرژی‌های برآزنده سلامت محیط زیست، مطمئن در جریان استفاده و هم‌ساز با قدرت خرید مصرف‌کنندگان.
- پ- بالابردن نقش انرژی در توسعه انسانی و مادی.
- ت- شناسایی ترکیب بهینه مصرف انواع انرژی به گونه‌ای که دستیابی به توسعه پایدار را تسهیل نماید. و
- ث- ایجاد پایکاه‌های اطلاعاتی انرژی برای استفاده عموم.

همان طور که در این مأموریت ها دیده می شود، وزارت انرژی فقط به مواردی از حامل های انرژی کار دارد که در حوزه حضور در بازار های داخلی مطرح می شود. وزارت خانه به میزان صادرات کاری ندارد و تغییر در میزان صادرات را خارج از حوزه حاکمیتی خود می شمرد. با تأیید مأموریت، تدوین اختیارات وزارت انرژی به سادگی امکان پذیر خواهد بود.

### جمع‌بندی

آنچه در طرح آمده است، بیان یک نیاز به تغییر ساخت حاکمیتی دولت است. ولی چاره‌اندیشی انجام شده فاقد کارایی لازم است. تغییر ساخت وزارت خانه های دست‌اندرکار انرژی بدون در نظر گرفتن مأموریت وزارت خانه های جدید و بدون حذف موارد وظایف موازی به یقین به افزایش کارایی نمی انجامد. نکته‌نهایی: از آن جا که زبان فارسی باید در کارهای مختلف مورد استفاده قرار بگیرد، توصیه می شود که در صورت ادغام وزارت خانه ها، نام وزارت خانه جدید وزارت نیرو باقی بماند و از کلمه انرژی که یک واژه خارجی است، استفاده نشود. با وجود باور به زبان فارسی، گزارش واژه انرژی تنها برای سهولت تشخیص و مطالعه به کار گرفته شده است.